

نوع مقاله: پژوهشی

شترسوار یا شترسواران؟

پژوهشی زبان‌شناسی برای اثبات بشارت تورات به پیامبر اسلام ﷺ به وصف راکب البعیر

محمدعلی همتی / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز

mohammadalihemati@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

چکیده

یکی از بشارت‌های تورات دربارهٔ پیامبر اسلام ﷺ و حضرت عیسیٰ ﷺ طبق سخن امام رضاؑ الاغ‌سوار و راکب البعیر (شترسوار) است که به‌صورت کنایی در رؤیای اشعیای نبی در عهد عتیق آمده است. غالب مترجمان انگلیسی و فارسی‌زبان، الاغ‌سوار را که اشاره کنایی به حضرت عیسیٰ است، به الاغ‌سواران، و شترسوار را که اشاره به پیامبر اسلام ﷺ است، به شترسواران ترجمه کرده‌اند که با حضرت عیسیٰ ﷺ و حضرت رسول ﷺ مطابقت ندارند. این پژوهش با هدف بررسی علل ترجمه‌های اشتباه، با روش زبان‌شناسی تاریخی بر روی نسخهٔ عبری تورات صورت گرفته است. یافته‌ها حکایت از این دارند که الاغ‌سوار و راکب البعیر به حضرت عیسیٰ ﷺ و حضرت محمد ﷺ اشاره دارند و سخن امام رضاؑ سخنی درست و دقیق بوده است. نتایج بررسی‌ها از این حکایت دارد که اشتباه اولیه از طرف کسانی بوده است که دست‌اندرکار شکل و نقطه متن تورات بوده‌اند. سپس تعصبات کلامی یهودی مسیحی، بعد از بعثت پیامبر اسلام ﷺ آن را توسعه داد و بین یهودیان و مسیحیان تثبیت شد.

کلیدواژه‌ها: بشارت، اسب‌سواران، الاغ‌سوار، شترسوار، اشعیای.

ظهور اسلام به‌عنوان آخرین دین آسمانی، ضمن تصدیق شریعت‌های پیش از خود، از جمله شریعت حضرت موسی و عیسی علیهم‌السلام، در عین حال تذکر می‌دهد که آنچه در تورات و انجیل آمده است، تماماً واقعیت ندارد؛ از این‌رو، این دو کتاب را فی‌الجمله تصدیق کرده است. یهودیان و مسیحیان پیش از ظهور اسلام منتظر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند؛ به‌طوری‌که برخی از آنها به سرزمین حجاز مهاجرت کردند تا حضرت را درک کنند. آیات قرآن نیز حضور آنها را در حجاز تأیید می‌کند. وقتی انتظار به‌سر رسید و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به پیامبری مبعوث شد، یهود و نصاری را به اسلام دعوت کرد. برخی دعوت ایشان را پذیرفتند و مسلمان شدند و برخی لجاجت کردند و دعوت اسلام را نپذیرفتند و اصرار داشتند حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیامبری نیست که در انتظارش بودند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم براساس آیات قرآن، آنها را به تورات و انجیل ارجاع می‌داد، مبنی بر اینکه بعثتشان را پیامبران پیشین اعلام داشته‌اند و برخی ویژگی‌هایش در عهدین وجود دارد.

از صدر اسلام تا کنون، یکی از مباحث مهم مورد اختلاف مسلمانان با اهل کتاب، موضوع بشارت‌های عهدین به ظهور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. مسلمانان نیز با تاسی از آن حضرت معتقدند که بشارت به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تورات و انجیل آمده است و در تورات و انجیل کنونی نیز باید وجود داشته باشد، ولی یهودیان و مسیحیان این ادعا را رد می‌کنند و مسلمانان را به اشتباه متهم می‌کنند. قرآن کلام وحی است و آیاتش سراسر مصون از خطا و تحریف، و آنچه گفته، یا تحقق است یافته یا در آینده محقق می‌شود؛ بنابراین، نگاه به قرآن با نگاه به دیگر کتب آسمانی، مانند تورات و انجیل، باید متفاوت باشد؛ چراکه عهدین در فضای تاریخی شکل گرفته و دست بشر در آن دخیل بوده است؛ چنان که پیروان این دو کتاب نیز این موضوع را تأیید می‌کنند؛ گرچه این دو کتاب حظی از حقیقت و کلام الهی نیز دارند. یکی از فرق‌های اساسی این دو کتاب با قرآن این است که دست بشر هیچ دخالتی در شکل‌گیری قرآن نداشته است؛ بنابراین آیاتش عین کلام الهی است و هیچ‌گونه باطلی به آن راه ندارد.

با این توضیح، در قرآن شاهد آیاتی هستیم که اهل کتاب را خطاب کرده است تا ویژگی‌های پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در کتابشان ببینند و به او ایمان بیاورند. این موضوع همیشه محل نزاع اهل کتاب و مسلمانان بوده است. ما معتقدیم که آنچه قرآن گفته است، باید واقعیت داشته باشد؛ اما چرا این موضوع محل نزاع واقع شده است؟ پاسخ به این سؤال، علل مختلفی دارد و انکار هریک از بشارت‌های آمده در عهدین، دلیل خاص خود را دارد. در این مقاله به یکی از این علل پرداخته می‌شود و آن بشارتی است که امام رضا علیه‌السلام آن را با یک عالم یهودی و مسیحی مطرح کرده است. ما در این پژوهش ضمن ارائه بشارت موردنظر در عهد عتیق، به بررسی مهم‌ترین ترجمه‌های فارسی و انگلیسی این عبارت می‌پردازیم و نهایتاً به متن عبری عهد عتیق مراجعه می‌کنیم و با بررسی زبان‌شناسی تاریخی، علت اشتباه مترجمان را که یا ناشی از اشتباه شکل و نقطه متن تورات بوده است یا از عمد مرتکب شده‌اند، متذکر می‌شویم. در ابتدا دلایل قرآنی بشارت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عهدین را می‌آوریم؛ سپس سخن امام رضا علیه‌السلام را و بعد از آن، عبارت عهد عتیق و ترجمه‌های آن را مشخص می‌کنیم و نهایتاً به بررسی زبان‌شناسی و تحلیل آن می‌پردازیم. این مقاله از آن جهت که متکفل بررسی یکی از مباحث کلامی مورد اختلاف مسلمانان و اهل کتاب با رویکرد

زبان‌شناسی است، در نوع خود جدید است. درباره پیشینه موضوع، در تفسیر *الکشف و البیان ثعلبی*، جلد ۷ صفحه ۷۱، فقط اشاره به این بشارت شده است و در مقاله «بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر ﷺ» (شاکر، ۱۳۸۹)، بشارت را از *عیون اخبار الرضا* ﷺ آورده است. تمایز دین پژوهش با کارهای یادشده رویکرد زبان‌شناختی تاریخی آن است.

۱. دلایل قرآنی

در قرآن آیاتی وجود دارد که به صراحت به اهل کتاب گوشزد می‌کند که بشارت پیامبر اسلام ﷺ در کتاب آنان آمده است و با مراجعه به آن می‌توانند این بشارت‌ها را ببینند و ظاهراً این آیات در پی انکار پیامبر اسلام ﷺ توسط اهل کتاب نازل شده‌اند. اینک به برخی از این آیات اشاره می‌کنیم.

۱-۱. سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۷

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس‌نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند بازمی‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می‌کند، و از [دوش] آنان قیدوبندهایی را که بر ایشان بوده است، برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان همان رستگاران‌اند.

۱-۲. آخرین آیه سوره فتح

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربان‌اند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [ویژه] آنان بر اثر سجود، در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات؛ و مثل آنها در انجیل، چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آموزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

۱-۳. آخرین شاهد، آیه ۶ سوره مبارکه صف

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ»؛ و هنگامی را که عیسی

پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او «احمد» است، بشارت‌تگرم. پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: این سحری آشکار است.

آیات یادشده، هر کدام به‌نحوی به پیامبر اسلام ﷺ اشاره دارند: در آیه اول بیان می‌کند که نام پیامبر درس نخوانده را در تورات و انجیل مکتوب می‌یابند؛ در آیه دوم ویژگی پیامبر ﷺ و یارانشان را در تورات و انجیل بیان می‌دارد و مثل آنان را در تورات این‌گونه بیان می‌کند که در چهره‌شان اثر سجود و رکوع است و مثل آنان در انجیل مانند زرعی است... . در آیه آخر، اگرچه ظهور این عبارت در انجیل مکتوب را نمی‌رساند، ولی از یک واقعیت پرده برمی‌دارد که حضرت عیسی ﷺ بشارت حضرت رسول ﷺ را نوید داده و در سنت شفاهی مسیحیان صدر اسلام رواج داشته است. آیات یادشده دلالت دارند که اهل کتاب این بشارت‌ها را در عهدین موجود در زمان حضرت رسول ﷺ - که مکتوب بوده است - مشاهده می‌کردند. لازم به توضیح است که:

گاهی قرآن از تورات و انجیل همان چیزی را قصد می‌کند که به‌عنوان وحی و شریعت الهی، به‌ترتیب بر حضرت موسی و حضرت عیسی ﷺ نازل شده، که خود قرآن کریم نیز تصدیق‌کننده آنهاست؛ و گاهی کتاب‌ها و نوشته‌هایی را قصد کرده است که در عصر نزول قرآن دست یهودیان و مسیحیان بوده و آنها آن نوشته‌ها را با نام تورات و انجیل می‌شناخته‌اند. به‌طور مثال، وقتی قرآن کریم در توصیف حضرت عیسی می‌فرماید، «آئیناه الانجیل»؛ به او انجیل دادیم (مائده: ۴۶)، انجیل واقعی را قصد کرده است؛ درحالی‌که وقتی خداوند مسیحیان را دعوت می‌کند تا مطابق احکام و مقررات انجیل قضاوت کنند (مائده: ۴۷) یا اهل کتاب را فرامی‌خواند تا به اقامه تورات و انجیلشان بپردازند (مائده: ۶۸ و ۶۶)، کتاب‌هایی را قصد کرده که در اختیار یهودیان و مسیحیان بوده است و آنها آن کتاب‌ها را تورات و انجیل می‌نامیده‌اند. بنابراین وقتی قرآن در آیه ۸۱ سوره آل‌عمران از وجود بشارت در تورات و انجیل سخن گفته، همان تورات و انجیلی را مدنظر دارد که در زمان نزول قرآن نزد یهودیان و مسیحیان موجود بوده است (مکتوباً عندهم). به‌طور مسلم، آنچه را که در آن زمان به‌عنوان تورات و انجیل شناخته می‌شده، تورات و انجیل واقعی نبوده است؛ بلکه مجموعه نوشته‌هایی را تورات و انجیل می‌گفته‌اند که کسانی غیر از موسی و عیسی ﷺ نوشته بودند (شاکر، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۵۲۲).

وجود واژه «مکتوباً» در آیه ۱۵۷ سوره اعراف شکی را باقی نمی‌گذارد که نام پیامبر ﷺ یا اشاراتی به ایشان در منابع مکتوب اهل کتاب - که به‌احتمال زیاد عهدین کنونی است - وجود داشته است. روایتی هم از امام رضا ﷺ در *عیون اخبار الرضا* آمده است که امام رضا ﷺ کتاب اشعیا را جزء تورات می‌داند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱ ص ۱۶۱). از آنجاکه خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد تا اهل کتاب را درباره بشارت به او، به کتابشان ارجاع دهد، نتیجه می‌گیریم که اولاً مراد از کتابشان، عهدین مکتوب عصر نزول است؛ ثانیاً این کتاب‌ها حظی از کلام وحی داشته‌اند. بنابراین، «اگر این بشارت‌ها در کتاب‌هایشان نبود، اهل کتاب باید کتابشان را خدمت رسول الله ﷺ می‌آوردند و می‌گفتند: اگر راست می‌گویید، این کتاب ما، نام خود را به ما نشان دهید؛ درحالی‌که می‌بینیم در طول تاریخ چنین چیزی گزارش

نشده است» (شاکر، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۵۳۳). در عوض، طبق آیات سوره مائده، برخی از اهل کتاب به پیامبر ﷺ ایمان آوردند (مائده: ۸۴، ۸۵، ۸۳).

۲. بشارت‌ها

مسلمانان چند مورد را به‌عنوان بشارت عهدین به ظهور پیامبر اسلام ﷺ ذکر می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱. ظهور آخرین شریعت الهی از فراز کوه فاران؛ ۲. شترسوار (راکب‌البعیر)؛ ۳. فارقلیط موعود؛ ۴. اسب‌سواری به نام امین؛ ۵. پیامبری که چشم به راهش بودند (ماوردی، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۳۳). از بشارت‌های یادشده، ما فقط به بررسی راکب‌البعیر می‌پردازیم.

۳. سخن امام رضاؑ درباره راکب‌البعیر (شترسوار)

در روایات شیعه در محاجه حضرت امام رضاؑ با بزرگان و سران ادیان، از جمله علمای یهود و نصارا - که مأمون عباسی تدارک دیده بود - امامؑ رو به عالم یهودی (رأس‌الجالوت) کرد و ایشان را به ده معجزه‌ای که بر موسیؑ نازل شده بود، قسم داد که آیا در تورات از حضرت محمدؑ و پیروانش سخن به‌میان نیامده است؟ آیا در تورات این خبر نیامده است که «پیروان شترسوار که پروردگار را فراوان تسبیح می‌کنند و در دستانشان شمشیرهایی هست که از مردم کافر روی زمین انتقام می‌گیرند؛ از امت او یاد نشده است؟ دانشمند یهودی اعتراف کرد که در تورات این‌گونه است. سپس امام به دانشمند مسیحی که نامش جاثلیق بود، رو کرد و فرمود: با کتاب «اشعیا» در چه حدی آشنا هستی؟ گفت: آن را حرف‌به‌حرف می‌دانم و بلد هستم. سپس به او فرمود: آیا قبول دارید که این مطلب از گفته‌های اوست: «ای مرد! من تصویر آن شخص سوار بر درازگوش را دیدم؛ درحالی‌که لباس‌هایی از نور بر تن داشت و آن شترسوار را دیدم که نورش همچون نور ماه بوده؟ او پاسخ داد: بله؛ اشعیا چنین چیزی گفته است (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۱). این گفت‌وگو در کتاب توحید صدوق نیز آمده است (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲۴). مستند مسلمانان در بشارت‌های عهدین، هم بر آیات قرآن استوار است و هم بر روایات، که روایت یادشده یکی از آنهاست. گفت‌وگوی امام رضاؑ در دو کتاب شیخ صدوق نقل شده است و در این گفت‌وگو امامؑ کتاب اشعیا را جزء تورات معرفی می‌کند که حکایت از این دارد که منظور تورات مکتوب بوده است. اینک این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان در کتاب اشعیا این مطلب را یافت؟

۴. شترسوار (راکب‌البعیر) در کجای تورات آمده و به چه معناست؟

شترسواری که امام رضاؑ در محاجه خود با دانشمند یهودی و جاثلیق به آن اشاره می‌کند، در کتاب اشعیا باب ۲۱، آیه ۷ به‌صورت کنایی آمده است؛ اما وقتی به ترجمه‌های فارسی و انگلیسی عهد عتیق مراجعه می‌کنیم، این مفهوم برداشت نمی‌شود. در عبارت امام رضاؑ شترسوار به پیامبر اسلام ﷺ اشاره دارد که به صورت مفرد آمده است؛

درحالی که در ترجمه‌های فارسی و بیشتر ترجمه‌های انگلیسی، «شترسواران» به جای «شترسوار» ترجمه شده است. در این صورت، مقصود از شترسواران نمی‌تواند پیامبر اسلام ﷺ باشد؛ زیرا شخص رسول الله ﷺ مفرد است و با عبارت جمع کتاب اشعیا مغایرت دارد. در ادامه، تعدادی ترجمه فارسی به عنوان نمونه ارائه می‌شود.

۵. بررسی ترجمه‌های فارسی آیه ۷ باب ۲۱ اشعیا نبی

۵-۱. ترجمه قدیم

این ترجمه از کتاب مقدس که از زبان یونانی و عبری به فارسی برگردانده شده است، بیش از صد سال قدمت دارد و یکی از بهترین ترجمه‌ها به حساب می‌آید؛ زیرا تحت‌اللفظی و دقیق است.

«و چون فوج سواران جفت‌جفت و فوج الاغان و فوج شتران را ببیند، آن‌گاه به دقت تمام توجه بنماید» (ترجمه قدیم کتاب مقدس، ۱۹۸۶م). در این ترجمه، «فوج شتران» آمده است که هیچ دلالتی بر یک نفر ندارد.

۵-۲. ترجمه مؤده از کتاب مقدس در سال ۱۹۷۶م

«و باید با دقت نگاه کند و ببیند که آیا مردان سوار بر اسب هستند؟ آیا به ستون دونفره حرکت می‌کنند و یا مردان سوار بر الاغ یا شتر هستند؟» در این ترجمه، «مردان سوار بر شتر» آمده است که بر جمع دلالت دارد و بر سخن امام رضا علیه السلام مطابقت ندارد.

۵-۳. ترجمه دری

«وقتی ببیند که سواران جوهره‌جوهره بر اسب و خر و شتر می‌آیند، به دقت متوجه آنها باشد».

۵-۴. ترجمه تفسیری

«هنگامی که ببیند سواران جفت‌جفت بر الاغ و شتر می‌آیند باید دقت کند». این ترجمه نیز مانند ترجمه‌های پیشین «سواران بر شتر» ترجمه کرده است.

چنان که در ترجمه‌های یادشده دیدیم، هیچ اشاره‌ای به شترسواری که مصداق سخن امام رضا علیه السلام باشد، نشده و تمامی مترجمان به صورت جمع آورده‌اند. درهرحال، با توجه به عبارات فوق، اهل کتاب حق دارند که ادعای مسلمانان را در این مورد قبول نکنند. آیا عبارت *عیون اخبارالرضا* و *توحید صدوق* مشکل دارند، و یا ممکن است جعلی باشند؟ یا اینکه در صورت صحت سخن امام رضا علیه السلام، برداشت ما غلط است؟ یا عبارت ۲۱:۷ اشعیا مراد نیست و انتخاب ما اشتباه است و باید در عبارات دیگر اشعیا به جست‌وجوی آن بپردازیم؟ در پاسخ به سؤال اخیر باید گفت: واژه شتر در کتاب اشعیا سه بار ذکر شده است: یکی در آیه مورد بحث؛ یکی در این آیه: «این است پیام خدا درباره حیوانات صحرائ جنوبی: سفیران از سرزمین خطرناکی عبور می‌کنند؛ جایی که محل زندگی شیرها، مارهای سمی و پرنده است. آنها هدایای گران‌قیمت خود را بر پشت الاغ‌ها و شترها بار کرده و به نزد ملتی می‌برند که نمی‌تواند به آنها هیچ

کمکی کند» (اشعیا: ۳۰)؛ و یکی هم در این آیه: «کاروان بزرگ شتر از میدیان و عیفا می‌آیند. از شبا طلا و بخور می‌آورند، و مردم این خبر خوش را به یکدیگر می‌دهند و می‌گویند، خدا چه کرده است» (اشعیا: ۶۰). چنان‌که ملاحظه شد، در این دو شاهد، یکی منظور گنج‌های بار شتر و دیگری کاروان بزرگ شتر از طلا و بخور است که نمی‌تواند مصداق شترسوار باشد. بنابراین، می‌ماند آیه ۷ فصل ۲۱ اشعیا که به سوار و شتر اشاره دارد که باید بررسی شود.

۶. بررسی ترجمه‌های انگلیسی آیه ۷ باب ۲۱ اشعیا نبی

ما در این بخش ترجمه‌های انگلیسی ادوار مختلف را بررسی می‌کنیم تا ببینیم این آیه در این ترجمه‌ها به چه صورت ترجمه شده است.

۶.۱. ترجمه اصلی کینگ جیمز سال ۱۶۱۱م

And he saw a charet [with] a couple of horsemen, a charet of asses, [and] a charet of camels; and hee hearkened diligently with much heede (Original King James Bible, 1611).

در این ترجمه، a couple of horsemen به معنای یک جفت اسب‌سوار و a charet of asses به معنای الاغ‌سواران آمده، ضمن اینکه الاغ را نیز جمع آورده است؛ و a charet of camels به معنای شترسواران است و شتر را نیز جمع آورده است.

۶.۲. ترجمه بازنگری‌شده کینگ جیمز سال ۱۷۶۹م

And he saw a chariot [with] a couple of horsemen, a chariot of asses, [and] a chariot of camels; and he hearkened diligently with much heed: Version (King James, 1769).

در ترجمه بازنگری کینگ جیمز نیز مانند نسخه‌ای اولی ترجمه شده است.

۶.۳. ترجمه نسخه استاندارد آمریکایی ۱۹۰۱م

and when he seeth a troop, horsemen in pairs, a troop of asses, a troop of camels, he shall hearken diligently with much heed (american Standard Version, 1901).

در این عبارت، asses را جمع به معنای الاغ آورده و camels را نیز جمع آورده و با اضافه کردن troop به camels، ترکیب گروه شتران‌سواران را اراده کرده است.

۶.۴. در ترجمه آمریکایی نیو استاندارد

When he sees riders, horsemen in pairs, A train of donkeys, a train of camels, Let him pay close attention, very close attention (New American Standard Bible, 1995).

در این ترجمه نیز عبارت موردنظر، قطار الاغ‌ها و شتران ترجمه شده است.

۶۵. ترجمه داربی

And he saw chariots, horsemen by pairs, a chariot with asses, a chariot with camels; and he hearkened diligently with much heed (Darby's Translation, 1890).

در این ترجمه هم الاغ سواران و شتران سواران ترجمه شده است.

۶۶. ترجمه تأکیدی روترهام

When he seeth, A train of horsemen in double rank, A train of asses, A train of camels, Then shall he hearken attentively, with diligent heed (Rotherham's Emphasized Bible, 1902).

این ترجمه نیز مانند ترجمه‌های پیشین عمل کرده است.

به‌رغم ترجمه‌های یادشده، ما به چند ترجمه برمی‌خوریم که آیه ۷ باب ۲۱ کتاب اشعیا را متفاوت ترجمه کرده و الاغ سوار و شترسوار را مفرد آورده‌اند.

۶۷. ترجمه نسخه هفتادی

هفتادی نسخه‌ای است از نسخ تورات که در قرن سوم قبل از میلاد در مصر توسط یهودیان اسکندریه به‌زبان یونانی ترجمه شد. در بین سال‌های ۲۰۰ ق.م تا ۱۰۰ ب.م، بسیاری از یهودیان و مسیحیان، از این نسخه استفاده می‌کردند. از آنجاکه این ترجمه (ترجمه یونانی) نسبت به بقیه ترجمه‌ها از قدمت بیشتری برخوردار است، اهمیت دارد. ترجمه ذیل برگردان انگلیسی متن یونانی است:

And I saw two mounted horsemen, and a rider on an ass, and a rider on a camel (Brenton Septuagint).

در این ترجمه، عبارت موردنظر یک الاغ سوار و یک شترسوار ترجمه شده است که زیر عبارات خط کشیده شده است.

۶۸. نسخه دوای ریمز (Douay–Rheims)

این ترجمه از نسخه وولگات است که توسط اعضای کالج دوای ریمز (Douay–Rheims) فرانسه انجام گرفته است. وولگات قدیمی‌ترین متن موجود از تمام کتاب مقدس و متن لاتینی رسمی کلیسای کاتولیک رومی است. کارل لوفمارک می‌گوید: «این نسخه برای هزار سال، در طول قرون وسطا و همین‌طور تا زمان اصلاحات، به‌عنوان نسخه معتبر به‌شمار می‌رفت؛ حتی هم‌اکنون در کلیسای کاتولیک روم معتبر شناخته می‌شود... مجمع ترینت در سال ۱۵۴۶م اعلام کرد که وولگات، تنها متن لاتین معتبر از کتاب مقدس است و تا هم‌اکنون نیز در مسائل مربوط به اعتقاد و اخلاق معتبر شناخته می‌شود» (لوفمارک، ۱۳۸۵، ص ۸۴).

And he saw a chariot with two horsemen, a rider upon an ass, and a rider upon a camel: and he beheld them diligently with much heed (The Douay–Rheims Bible, 1750).

در متن فوق، عبارت *a rider upon an ass, and a rider upon a camel*، به‌معنای یک الاغ‌سوار و یک شترسوار است.

۶.۹. ترجمه رابرت یانگ

این ترجمه در سال ۱۸۶۲م توسط رابرت یانگ به‌صورت تحت‌اللفظی و دقیق انجام و چاپ گردید و در سال ۱۸۹۸م تجدیدنظر شد. ترجمه زیر از نسخه تجدیدنظر شده است.

And he hath seen a chariot—a couple of horsemen, The rider of an ass, the rider of a camel, And he hath given attention—He hath increased attention! (Young's Literal Translation, 1898).

در این متن، عبارت *The rider of an ass, the rider of a camel*، به‌معنای یک الاغ‌سوار و یک شترسوار است. در این سه ترجمه اخیر، واژگان موردنظر به‌صورت مفرد (الاغ‌سوار و شترسوار) ترجمه شده‌اند. اکنون پرسش این است که با توجه به اختلاف ترجمه‌ها، کدام یک ترجمه درستی ارائه داده‌اند؟ علت این اختلاف چیست؟ آیا عمدی در کار بوده یا سهواً اتفاق افتاده است. پاسخ به این سؤالات، در گرو مراجعه به متن اصلی تورات (عبری) و بررسی یک‌یک واژگان عبارت یادشده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۷. بررسی آیه ۷ باب ۲۱ اشعیا نبی از تورات عبری

וַיִּרְאֶה רַכָּב צִמָּד פְּרָשִׁים רֶכֶב .. מוֹר רֶכֶב דָּמָל וְהַקָּשִׁיב קָשִׁיב רֶבֶב קָשִׁיב (اشعیا ۷:۲۱)

در این عبارت، بررسی واژگان *رֶכֶב* - که سه بار تکرار شده - و *פְּרָשִׁים*، *וּמֹר* و *דָּמָל*، از نظر ساختار و معنا، ضروری است.

۷-۱. مصدر *רַכָּב* (*rākab*) که واژه *رֶכֶב* (*rekeb*) از آن مشتق شده، به‌معنای سوار شدن است (آدرس فرهنگ عبری). ساختار واژه *رַכָּב* (*rakab*) معادل «رکب» عبری است. حرف *ק* (*q*) در ساختار، شبیه راء عربی است و نیاز به چرخش مختصری به‌سمت راست دارد. حرف *כ* (*k*) معادل کاف و حرف *ב* (*b*) معادل باء عربی است. با این توضیح سه حرف *רַכָּב* همان «رکب» است که در گویش عبری، دو حرف کاف و باء، خاء و واو تلفظ می‌شوند. بنابراین، واژه *رֶכֶב* (*rekeb*) معادل (رکب) است. مصدر *רַכָּב* (*rākab*) به‌معنای سوار شدن یا سبب سوار شدن است (گزینیوس (Gesenius)، ۱۸۸۲، ص ۹۷۹). این ریشه در زبان آرامی سریانی به‌معنای سوار شدن، در زبان اکدی (*rakābu*) به‌معنای سوار اسب شدن، در اگاریتی (*rkb*) به‌معنای بالا رفتن از کوه یا سربالایی، و در زبان حبشی (*rakaba*) به‌معنای نایل گشتن است (ارنست ۱۹۱۷). این شواهد نشان می‌دهد که این واژه سامی است.

۷-۲. واژه *רֶכֶב* (*rekeb*) که در اشعیا ۲۱:۷ سه بار تکرار شده، اسم مذکر و به‌معنای ارابه، ارابه‌ها و سواران است (گزینیوس، ۱۸۸۲، ص ۹۷۹). *جیمز استرونگ* در معنای این واژه می‌نویسد: با دلالت ضمنی به‌معنای یک وسیله

نقلیه است و توسعاً به معنای یک گروه و سوارنظام و همچنین به معنای ارابه است (استرونگ، ۱۸۹۰، ص ۱۰۶). در عهد عتیق، این واژه ۱۱۵ مرتبه به معنای ارابه به صورت مفرد و جمع آمده است؛ مثلاً در این عبارت، هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع آمده است: «پس پادشاه ارابه جنگی و لشکریان خود را با ششصد عدد از بهترین ارابه‌ها و تمام ارابه‌های مصری که سرداران بر همه آنها سوار شده بودند، حاضر کرد» (خروج ۷، ۶: ۱۴) چنان که در ترجمه فارسی و انگلیسی عبارت اشعیا ۲۱:۷ دیدیم، مترجمان این واژه را که سه بار تکرار شده بود، سواران ترجمه کرده بودند. اگر این واژه در زبان عبری و عهد عتیق به معنای سوار و سواران می‌آید - که شاهد آن را آوردیم - در اشعیا ۲۱:۷ با چه قرینه‌ای به معنای سواران آمده است؟ و چرا سوار ترجمه نشده است؟ چرا برخی از مترجمان به زبان لاتین، واژه را جمع ترجمه کرده و برخی مفرد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، ضروری است تا واژگان اسب و الاغ و شتر، که با موضوع مرتبطاند، بررسی شود.

۷-۳. واژه פָּרָשִׁים (Parashim) به معنای اسب‌سواران است. این واژه ۵۷ بار در عهد عتیق، یک بار به صورت مفرد و بقیه به صورت جمع، آمده است. این واژه معادل فارسی (سوار) است؛ بدین صورت که حرف פ (فاء) در عبری با ترقیق «پ» و با تفخیم «فاء» تلفظ می‌شود. حرف פ (۲) پیش‌تر درباره‌اش صحبت کردیم؛ و حرف פָּ در عبری نماینده دو حرف «سین» و «شین» است و یک نقطه روی آن وجه تمایز آنهاست که اگر این نقطه روی دانه اول قرار گیرد «شین» و اگر روی دانه آخر قرار گیرد «سین» تلفظ می‌شود. نکته دیگر اینکه جابه‌جایی حرف «سین» با «شین» در زبان‌های سامی زیاد اتفاق می‌افتد؛ مانند «خمس» در عربی و «خَمِش» در عبری، و «سلام» و «شالوم» (اقلیمیس، ۱۸۷۹، ص ۶۴). بنابراین سه حرف اصلی این واژه با واژه «فرس» عربی مطابقت دارد. دو حرف ים (yi-m) علامت جمع است. بنابراین واژه פָּרָשִׁים (Parashim) به معنای اسب‌سواران است. با توجه به این قرینه، واژه רֶכֶב (rekeb) باید سوار ترجمه شود، نه ارابه؛ که این اتفاق افتاده و ترکیب רֶכֶב פָּרָשִׁים روی هم به معنای اسب‌سواران یا فوج سواران بر اسب است، که تقریباً تمامی مترجمان درست ترجمه کرده‌اند و اگر برخی جفت را اضافه کرده‌اند، به واسطه واژه תְּמֵד (tsemed) است که معنای جفت دارد و عبارت רֶכֶב תְּמֵד פָּרָשִׁים روی هم به معنای اسب‌سواران دوه‌دو است (نظام سواران به ردیف دو). تا اینجا هیچ مشکلی وجود ندارد و معنا رسا و گویاست؛ اما آیا این درباره‌ی الاغ‌سواران و شترسواران نیز صادق است؟ بررسی ذیل متضمن پاسخ به این سؤال است.

۷-۴. واژه ים (khamor) معادل «حمیر» به معنای الاغ است (گزینیوس، ۱۸۸۲، ص ۹۷۹). از سه حرف اصلی واژه، حرف ה (h) و פ (p) شباهت نزدیکی به میم و راء عربی دارد و حرف ה (h) گرچه شباهتی به حاء عربی ندارد، ولی در تلفظ نزدیک به آن است؛ ضمن اینکه این حرف در الفبای عبری حاء و در تکلم حاء تلفظ می‌شود. به عبارت دیگر، الفبای عبری حرف مستقل حاء ندارد؛ بلکه این حرف فقط در گویش با استفاده از حروف دیگر ساخته می‌شود و نمونه‌اش واژه مورد بحث است. واژه ים (khamor) تقریباً بالسویه به صورت مفرد و جمع در عهد عتیق ۹۶ بار آمده است. برای مثال «به این ترتیب، یعقوب بسیار ثروتمند شد. او صاحب گله‌های بسیار شد و بردگان و شتران و الاغ‌های بسیار داشت» (پیدایش ۳۰:۴۳). در این عبارت،

واژه **קַמֹרִים** (khamorim) به معنای الاغ‌هاست؛ و به صورت مفرد، مانند: «در جایی که شب را منزل کرده بودند، یکی از آنها کیسه خود را باز کرد تا به الاغش غذا بدهد؛ اما دید که پولش در درون کیسه اوست» (پیدایش ۲۷: ۴۲). واژه **קַמֹר** (khamor) در این عبارت، مفرد و به معنای الاغ است. در عبارت اشعیا ۲۱: ۷ - که موضوع بحث ماست - واژه به صورت مفرد آمده است؛ یعنی الاغ؛ اما غالب مترجمان به صورت جمع ترجمه کرده‌اند. آیا به قرینه عبارت **רֶכֶב יָצַד פָּרָשִׁים** (اسب‌سواران) این معنا را اتخاذ کرده‌اند؛ در صورتی که باید گفت: در این عبارت، **פָּרָשִׁים** (= Parashim = اسب‌سواران) جمع آمده؛ در حالی که «الاغ» مفرد است. اگر این قرینه را در نظر بگیریم، الاغ نیز باید جمع بیاید. نکته قابل توجه اینکه در عهد عتیق در تمامی مواردی که واژه **רֶכֶב** (rekeb) به کار رفته، به معنای ارابه یا اسب‌سوار است؛ به عبارت دیگر، این واژه قرابت تنگاتنگی با اسب و اسب‌سوار دارد، نه با الاغ و شتر؛ و تنها در یک مورد و آن هم در عبارت مورد بحث ما با الاغ آمده است. توضیح بیشتر اینکه واژه **קַמֹר** (khamor) و مشتقاتش که ۹۶ بار در عهد عتیق آمده، به غیر عبارت مورد بحث، در هیچ جا با ارابه نیامده است. چرا با توجه به مفرد بودن واژه الاغ، مترجمان جمع ترجمه کرده‌اند؟ اگر پاسخ داده شود: درست است که الاغ مفرد آمده، ولی واژه قبل آن (**רֶכֶב**) به معنای سواران است و ترکیب الاغ‌سواران معنای صحیحی می‌باشد. بر این پاسخ این ایراد وارد است که چرا اسب جمع بسته شده، در حالی که قبل از اسب نیز واژه **רֶכֶב** به معنای سواران آمده است. همان طور که الاغ مفرد آمده و با واژه قبل خود ترکیب الاغ‌سواران را ساخته، اسب نیز می‌توانست مفرد بیاید و با واژه قبل از خود ترکیب اسب‌سواران را تشکیل دهد. از این رو، ایراد وارد نمی‌شد. این ایرادات بر ترکیب **רֶכֶב גָּמָל** (rekeb gāmāl = شترسواران) نیز وارد است. واژه **גָּמָל** (gāmāl) ۵۴ بار در عهد عتیق آمده است که شش مورد مفرد و بقیه به صورت جمع است و واژه **רֶכֶב** (rekeb) فقط در اشعیا ۲۱: ۷ با **גָּמָל** (gāmāl) شتر قرین گشته است. اگر الاغ و شتر در این عبارت به صورت جمع می‌آمدند، مشکل حل می‌شد. به همین دلیل برخی از مترجمان این دو واژه را مفرد ترجمه کرده‌اند و باید یک الاغ‌سوار و یک شترسوار مصداق عبارت مورد نظر باشد.

۷-۵. به نظر نویسنده، الاغ‌سوار و شترسوار به صورت مفرد در این عبارت صحیح است. فقط نقطه‌های **שָׁקֶל** و **נֶقֶט** وجه تمایز مفرد و جمع است؛ بدین صورت که واژه **רֶכֶב** (rekeb) با سه نقطه زیر حرف **כ** (r) و **כֶּ** (k) دلالت بر جمع دارد و با یک نقطه روی **כ** (r) و دو نقطه عمود زیر حرف **כ** (k) دلالت بر مفرد بودن واژه می‌کند. اگر این نقاط را حذف کنیم، مفرد و جمع واژه مشخص نمی‌شود؛ مگر در جمله و با قرینه؛ مانند عبارت مورد بحث ما. درباره **שָׁקֶל** و **נֶقֶט** متن تورات باید گفت که در زمان تدوین، این کتاب عاری از علائم آوایی بوده و حتی تا قرن‌ها بعد از میلاد مسیح، این علائم وجود نداشته است؛ به گونه‌ای که سموئیل تورنر معتقد است که عهد عتیق تا قرن یازدهم میلادی خالی از **שָׁקֶל** و **נֶقֶט** بوده و نقطه‌های آوایی تا قرن ششم میلادی ناشناخته بوده و از قرن هفتم و هشتم کم‌کم شکل گرفته‌اند و در قرون بعدی تثبت شدند؛ تا اینکه در قرن یازدهم میلادی، **هارون‌بن اشر** و **یعقوب‌بن نفالی** تمام تلاش خود را مصروف داشتند تا تورات را

نقطه‌گذاری کنند و به بی‌ثباتی نسخه‌های مختلف خاتمه دهند (ساموئل، ۱۸۲۷، ص ۱۱۱). به احتمال زیاد، دست‌اندرکاران شَکْل و نَقْطِ عَهْدِ عَتِیق، در عبارت ۲۱:۷ اشعیا، چون دیدند که سه بار واژهּ רֶכֶב (rekeb) تکرار شده و در اولین مورد با واژهּ جمع פָּרָשִׁים (Parashim) ترکیب شده است، به‌گمان خویش دو مورد دیگر را نیز جمع فرض کردند و شکل و نقط جمع به آن دادند؛ غافل از اینکه هم معنا تغییر می‌کند و هم قراین دیگر متن عهد عتیق که این واژگان در آنها ذکر شده است، با این خوانش مخالف‌اند. با این توضیح، پاسخ این پرسش که چرا مترجمان اختلاف‌نظر دارند، روشن می‌شود. ترجمهٔ یونانی هفتادی که به قبل از میلاد برمی‌گردد و نسبت به بقیهٔ ترجمه‌ها از قدمت بیشتری برخوردار است - و توسط هفتاد نفر ترجمه شده - الاغ و شتر را به‌صورت مفرد ترجمه کرده است. این ترجمه، از متن عبری تورات صورت پذیرفته که خالی از علایم آوایی بوده است. مترجمان هفتادی به عصر عهد عتیق نزدیک‌تر بوده و بی‌شک قرائت آنان از عبارت مورد بحث، نسبت به قرائت مترجمین متأخر به صواب نزدیک‌تر است. این موضوع درباره ترجمهٔ وولگات نیز صادق است. ترجمهٔ وولگات نیز در زمانی صورت پذیرفته است که هنوز علایم آوایی وضع نشده بود و متن عبری تورات، عاری از این علایم بوده. لذا قرائت مترجم این ترجمه نیز نسبت به ترجمه‌های متأخر ارجح است. ترجمهٔ رابرت یانگ نیز - که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و دقیق است - نیز الاغ و شتر را مفرد ترجمه کرده است. این شواهد نشان می‌دهد که علت اختلاف در ترجمه، علایم آوایی است و به‌نظر می‌رسد اشتباه دست‌اندرکاران شَکْل و نَقْطِ مَتنِ تورات در عبارت ۲۱:۷ اشعیا، مغرضانه نبوده است. نکتهٔ پایانی اینکه مترجم فارسی قدیم کتاب مقدس، در مقدمهٔ ترجمهٔ خود مدعی شده که ترجمه‌اش از اصل عبری و یونانی انجام پذیرفته است؛ اما در ترجمه‌اش از آیهٔ مورد بحث - که در بخش ترجمه‌های فارسی آوردیم - شترسوار را به صورت جمع ترجمه کرده است؛ درحالی‌که ترجمهٔ یونانی، شترسوار را مفرد آورده است.

۷۶. مفرد خواندن الاغ و شتر، با آنچه مراد اشعیای نبی و امام رضا علیه السلام است، مطابقت دارد؛ از این جهت که اشعیای نبی درصدد پیشگویی است. در این عبارت، اشعیای نبی سه دسته از پیامبران را پیشگویی می‌کند: دستهٔ اول، حضرت موسی و پیامبران بنی‌اسرائیل است؛ لذا از آنجا که پیامبران بنی‌اسرائیل متعدّدند، باید به‌صورت جمع بیاید، که در عبارت موردنظر به‌صورت רֶכֶב פָּרָשִׁים (اسب‌سواران) آمده است. این دسته از پیامبران، تا زمان اشعیای نبی برخی از آنها مبعوث شده بودند و برخی بعد از ایشان ظهور کردند. در مورد پیشگویی دوم، یعنی الاغ‌سوار، مراد حضرت عیسی است و در آیین مسیحیت، فقط ایشان پیامبر هستند. از این رو، صحیح بود که مفرد بیاید، که این‌گونه است. اینکه عیسی علیه السلام سوار بر الاغ شده باشد، شواهد عهد جدید نیز مؤید آن است؛ مانند: «عیسی کره‌الاغی یافت و بر آن سوار شد؛ چنان که کلام خدا می‌فرماید: ای دختر صهیون! دیگر نترس. اکنون پادشاه تو که بر کره‌الاغی سوار است، می‌آید» (یوحنا ۱۵، ۱۴: ۱۲). درانجیل لوقا در بحث ورود حضرت عیسی علیه السلام به اورشلیم، این‌گونه آمده است:

عیسی این را فرمود و جلوتر از آنها راه اورشلیم را در پیش گرفت. وقتی که به بیت‌فاجی و بیت‌عنیا، واقع در کوه زیتون نزدیک شد، دو نفر از شاگردان خود را با این دستور روانه کرد: به دهکده روبه‌رو بروید. همین که وارد آن بشوید، کره‌الاغی را در آنجا بسته خواهید دید که هنوز کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و به اینجا بیاورید. اگر کسی پرسید: چرا آن را باز می‌کنید؟ بگویید: خداوند آن را لازم دارد. آن دو نفر رفتند و همه‌چیز را همان‌طور که عیسی ﷺ گفته بود، دیدند. وقتی کره‌الاغ را باز می‌کردند، صاحبانش پرسیدند: چرا آن کره را باز می‌کنید؟ جواب دادند: خداوند آن را لازم دارد. پس کره‌الاغ را نزد عیسی آوردند. بعد لباس‌های خود را روی کره‌الاغ انداختند و عیسی را بر آن سوار کردند (لوقا ۱۹:۲۸،۳۵).

این شواهد مؤید گفته‌ماست که عبارت ۲۱:۷ عهد عتیق دستخوش تصحیف شده است. با این توضیحات باید گفت: شترسوار در عبارت موردنظر، حضرت رسول ﷺ است که امام رضا ﷺ در گفت‌وگوی مجلس مأمون به آن اشاره دارد. ضمن اینکه در عهد عتیق اشاره شده است که قبایل اعراب شتر فراوان داشته‌اند؛ مانند: «مدیانیان، عمالیقیان و قبایل بیابانی، مانند دسته بزرگی از ملخ در دشت جمع شده بودند و شتران بسیاری به فراوانی ریگ‌های ساحل دریا داشتند». در این عبارت، «مدیانیان» اشاره به ساکنان مدین دارد که در شمال غربی شبه‌جزیره عربستان ساکن بودند. دربارهٔ عمالق و اینکه کجا ساکن بوده و در چه ایامی می‌زیسته‌اند، هرچند سخن فراوان گفته شده است، اما «آنان پیش از اینکه حضرت ابراهیم ﷺ به‌همراه هاجر به مکه برود، در آنجا ساکن بودند» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۱۸). نتیجه اینکه مخاطبان اشعیا و پیروان عهد عتیق این ذهنیت را دربارهٔ منطقهٔ حجاز داشتند که مرکب اصلی اهل حجاز شتر بوده است.

نتیجه‌گیری

۱. در قرآن آیاتی وجود دارد که اهل کتاب را مخاطب قرار داده‌اند تا اوصاف پیامبر اسلام ﷺ را که در نزدشان مکتوب بوده (مکتوباً عندهم)، ببینند و به او ایمان بیاورند. منظور از «مکتوباً»، مجموعهٔ نوشته‌هایی است که به تورات و انجیل معروف شده‌اند و باید امروزه نیز این اوصاف در این کتب وجود داشته باشد.
۲. یکی از اوصاف حضرت رسول ﷺ در تورات، تعبیر کنایی از راکب البعیر (شترسوار) است که امام رضا ﷺ در مجلس مناظره با سران یهود و نصاری به آن اشاره کرده و در کتاب اشعیا نبی باب ۲۱ آیه ۷ آمده است.
۳. قبل از میلاد مسیح و چند قرن بعد از میلاد، راکب البعیر (شترسوار) در متن اصلی و ترجمه‌های تورات مفرد بوده است؛ ولی بعد از شُکُل و نَقْط تورات، این اشتباه رخ داده و شترسوار به شترسواران تغییر یافت و این در ترجمه‌های متأخر به‌شکل گسترده‌ای حضور یافت.
۴. با ظهور اسلام و دعوت اهل کتاب به اسلام، برخی از اهل کتاب سرپیچی کردند و از خطای متنی تورات استفادهٔ کلامی نمودند و مسلمانان را متهم به اشتباه دربارهٔ بشارت تورات به پیامبر اسلام ﷺ به وصف راکب‌البعیر کردند که پژوهش زبان‌شناختی فوق، خلاف این را اثبات کرد.

منابع

- ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۲۱ق، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، علی شیر.
- اقلیمس، یوسف داود، ۱۷۸۹م، *اللغة السريانية في نحو اللغة العربية على كلا مذهبي الغربيين والشرقيين*، موصل، دير الآباء الدوسکین.
- تعلبی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۹۴، *اندیشه‌های قرآنی*، قم، آیین احمد.
- _____، ۱۳۸۹، «بشارت‌های عهدین در مورد پیامبر اکرم ﷺ»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۷، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- _____، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۴، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- کتاب مقدس*، ۱۸۹۵ق، ترجمه قدیم، ترجمه رابرت بروس، ارومیه.
- کتاب مقدس*، ۲۰۰۲م، ترجمه تفسیری، انجمن بین‌المللی کتاب مقدس.
- کتاب مقدس*، ترجمه دری.
- کتاب مقدس*، ۱۳۸۸ق، ترجمه مزده برای عصر جدید، مزده عصر جدید.
- لوفمارک، کارل، ۱۳۸۵، *کتاب مقدس چیست؟*، ترجمه محمد کاظم شاکر، تهران، دستان.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، ۱۹۸۷، *اعلام النبوه*، تحقیق محمد المعتمد بالله البغدادی، بیروت، دار الكتاب العربی.

The Holy Bible, 1769, King James Bible Authorized Version, 2012, First Gospel Publications.

The Holy Bible, Lockman Foundation, 1995, California New American Standard Bible.

The Holy Bible, Robert Young, 2012, Young's Literal Translation of the Holy Bible, First Gospel Publications.

The Douay-Rheims Bible, 1609, France, University of Douai.

The Holy Bible, American Standard Version, 1901, New York, Thomas Nelson & Sons.

The Original King James Bible (King James Version Bible), NLVB, 2009.

Samuel H. Turner, 1827, *An Introduction to the Old Testament: Translated From the Latin and German Works of John Jahn*, G. & C. Carvill, New York, Broadway.

Sir Lancelot Charles Lee Brenton, 1844, *Brenton's Septuagint*, London, Samuel Bagster & Sons.

Strong, James, 1890, *A concise Dictionary of the in the Hebrew Bible*, with their renderings in the Authorized English version, Abingdon press Nashville.

Joseph Bryant Rotherham, 1902, *Rotherham's Emphasized Bible*, London, H.R. Allenson.

The Holy Scriptures: A New Translation from the Original Languages by J. N. Darby, Logos Research Systems

The Old Testament in the Original Tongues

Gesenius, William, 1882, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Boston, Houghton Mifflin Harcourt.